

گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی مردم کانادا در روز جمعه ۲۵ جون ۲۰۱۰ در پارک "الن گاردن" تورنتو

از روز چهارشنبه ۲۳ تا ۲۷ جون نشست رؤسای جمهور و نخست وزیران ثروتمندترین کشورهای جهان که به نام نشست "جی-۸" و "جی-۲۰" معروف شده است، در استان اونتاریو (کانادا) برگزار شد. رهبران قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری در این نشست گرد هم آمده بودند تا بحران جاری سرمایه داری جهانی را بررسی کرده و راه نجاتی برای سرمایه داران زالو صفت پیدا کنند. راه حل هائی که تجربه نشان داده هدفی جز سرشکن کردن هر چه بیشتر بار بحران های نظام بر دوش کارگران و توده های ستمدیده را دنبال نمی کند. به همین دلیل هم تظاهرات متعددی توسط نیروهای چپ و دیگر فعالین اجتماعی در اعتراض به هر آن چه که این نشست ها معرف آن هستند، فراخوان داده شده بود.

یکی از این تجمعات در روز جمعه ۲۵ جون از پارک "الن گاردن" در مرکز شهر تورنتو شروع شد. از ساعت ۱ بعد از ظهر مردم معترض شروع به تجمع در این پارک نمودند.

تمام مرکز شهر تورنتو از چندین روز قبل به شکل یک شهر محاصره شده نظامی درآمده بود. به عنوان مثال پلیس ۷۷ دوربین مدار بسته برای شناسایی تظاهرکنندگان در خیابان های مرکز شهر کار گذاشته بود. با این تاکتیک، هر کس برای رسیدن به پارک "الن گاردن" باید از زیر آن ها رد میشد. هلیکوپتر های پلیس نیز مدام بالای سر تظاهرکنندگان می چرخیدند.

انتخاب پارک "الن گاردن" جهت اعتراض به نظام سرمایه داری حاکم خود پر معنا بود. از این جهت که این پارک محل زندگی و تجمع فقرا، بی خانمان ها و دیگر قربانیان فقر و فلاکت و بدبختی ناشی از سلطه طبقه سرمایه دار است. در نتیجه، انتخاب این محل برای اعتراض به شرایط اسفباری که سرمایه داری انحصاری جهانی برای کارگران و زحمتکشان جهان ایجاد کرده بسیار پر مسمما بود.

هرچند که پلیس برای "تمیز" کردن قیافه شهر در روزهای نشست رهبران سرمایه داری جهانی، گدا ها و بی خانمان ها را موقتا از سطح خیابان ها جمع کرده بود، اما از آن جا که "الن گاردن" چندین کیلومتر از محل نشست دور است و جلوی چشم رهبران مزبور قرار نداشت، ساکنین فقیر این پارک از گزند اذیت و آزار های پلیس به دور ماندند. آن ها در این پارک (که خانه اشان محسوب میشود) حضور داشتند و مردم برای اعتراض به قدرت های امپریالیستی که این زندگی رقت انگیز را برای این انسان ها ایجاد کرده اند، با توجه به این واقعیت در آن جا جمع شدند.

حدود ساعت ۳ بعد از ظهر، مارش تظاهرکنندگان در خیابان های شهر آغاز شد. مردم در حین راه پیمایی در شهر با صدها پلیسی مواجه شدند که برای کنترل تظاهرات ضد امپریالیستی مردم بسیج شده بودند. هزاران مأمور مخفی پلیس نیز با لباس شخصی در خیابان ها پرسه می زدند که برخی از آن ها از روی لباسهایشان و مدل موهایشان قابل تشخیص بودند. و تظاهرکنندگان با شناخت شان آن ها را به هم نشان می دادند. امری که موجب خنده مردم شده بود.

در همان اوایل تظاهرات، ماجرای دیگری نیز اتفاق افتاد که عمق حماقت و در عین حال خشونت حیوانی پلیس مدافع سرمایه داری را به نمایش گذارد. هنوز نیم ساعتی از تظاهرات نگذشته و تظاهرکنندگان به خیابان "یانگ" نرسیده بودند که تعدادی از تظاهرکنندگان متوجه شدند که پلیس فردی را در پیاده رو زیر مشتم و لگد گرفته است و به همین دلیل هم جمعیت فریاد می زد "رهاش کنید. آزادش کنید...".

خیلی ها اصلاً چیزی نمی دیدند و نمی دانستند که پلیس دارد با فردی که دستگیر شده چه می کند. اما خیلی زود روشن شد که صحنه بسیار دلخراشی در حال وقوع است. برخی از تظاهرکنندگان که شاهد ماجرا بودند با تمام قوا فریاد میزدند و برای کمک کردن به آن فرد به سمت پیاده روی محل حادثه می رفتند. پس از مدتی معلوم شد که پلیس فرد کر و لالی را دستگیر کرده و او را که به دلیل وضعیتش متوجه موقعیت نشده بود، در پیاده رو زیر مشتم و لگد گرفته بودند. پس از مداخله تظاهرکنندگان، پلیس متوجه اشتباه احمقانه و وحشیانه خود شد و آن فرد را رها کرد.

تظاهر کنندگان با خشم و درعین حال با مسخره کردن حماقت پلیس، میگفتند "انگار که تروریستی خیالی را دستگیر کرده اند."

در طول مسیر راهپیمایی، پلیس ویژه با سگ های تعلیم دیده اشان در همه خیابان های باریک و کوچه های منتهی به خیابان های اصلی دیده میشدند. تظاهرکنندگان در هر تقاطعی که پلیس ضد شورش و پلیس های مسلح سوار بر اسب را میدیدند شعار میدادند "این حیوانات را از روی اسب ها پیاده کنید." (Get these animals off the horses)

پلیس حافظ منافع سرمایه داران غارتگر جهت سرکوب تظاهرات جی ۲۰- از قبل، نیروهای خود را آماده کرده بود. بطور مثال پلیس یک نوع دستگاه های تولید صدای آزار دهنده خریداری کرده بود که گفته میشد صدای آن دستگاه ها میتواند موجب کر شدن تظاهرکنندگان شود. البته خود افراد پلیس گوشیه های مخصوصی به گوش داشتند تا آسیبی به خودشان نرسد .

از روز پنجشنبه مرکز شهر تورنتو تقریباً خالی از سکنه به نظر میرسید و پلیس موفق شده بود تا حدی بخشی از مردم را از تظاهرات دور نگه دارد. با این همه، تعداد زیادی از مردم به خیابان ها آمدند و در تظاهرات و راهپیمایی بر ضد نظام سرمایه داری شرکت کردند.

در تظاهرات روز جمعه در "الن گاردن" اولین مقاومت های مردم در مقابل پلیس دیده شد. زن و مرد جوانی که قصد ورود به پارک "الن گاردن" را داشتند توسط پلیس متوقف شدند. اما آن ها به پلیس اجازه ندادند که کوله پشتی هایشان را بازرسی کند. مردم به محض این که متوجه واقعه شدند، به سمت آن ها رفته و فریاد میزدند "بگذارید بروند" (Let them go). پلیس که تجمع خشمگین تظاهرکنندگان را دید مجبور شد که از بازرسی آن دو نفر خودداری کند. آن ها پیروزمندانه به داخل پارک آمدند. پس از این واقعه، تصمیم گرفته شد که همه در حاشیه های پارک تجمع کنند تا اجازه ندهند که پلیس مزاحم کسانی شود که از خیابان های کنار پارک قصد پیوستن به تظاهرات را دارند.

دولت انتاریو که میدانست به دلیل برگزاری این نشست با اعتراضات بزرگی مواجه خواهد شد ، جهت مقابله با تظاهرات مردم تدارکات بزرگی دیده بود و از جمله قوانینی را به تصویب رسانده بود که اختیارات زیادی به پلیس می

داد. دولت انتاریو با درس گیری از تجربه دولت فدرال کانادا که در سال ۲۰۰۱ پیش از شروع "نشست سران کشورهای قاره آمریکا" در شهر کُیک، برای آزاد گذاشتن پلیس در سرکوب تظاهرکنندگان قانونی را تصویب کرده بود که دست پلیس را در سرکوب مردم باز می گذاشت، همین راه را در پیش گرفت. در سال ۲۰۰۱ قانون دولت فدرال به پلیس اجازه می داد که آزادی بیان را از مردم سلب کرده بخشی از شهر را محصور کند و مقرراتی شبیه به حکومت نظامی پیاده کرده و آزادی رفت و آمد در شهر را محدود نماید و حتی تظاهرکنندگان را به جرم شکستن مقررات عبور و مرور دستگیر و زندانی کند.

حال دولت انتاریو نیز قانون موقت مشابهی را تنها برای روزهای نشست تصویب کرده بود. طبق این قانون پلیس میتواند هر کسی را که در ۵ متری حصارهای محل نشست قرار دارد بازرسی بدنی کند و هر کسی را هم که به پلیس اجازه بازرسی بدنی ندهد و یا از ارائه کارت شناسایی خودداری کند، دستگیر کند. در صورتی که سلب آزادی بیان و آزادی تردد افراد در شهر و یا بازرسی بدنی افراد در ملاً عام طبق قانون اساسی کانادا ممنوع است. وکلای آگاه و آزادیخواه تورنتو علیه تصویب قانون جدید و موقتی که در تضاد با قانون اساسی است اعتراض کردند و آن را مخالف با قانون اساسی و حقوق دموکراتیک مردم اعلام کردند. تصویب این قانون مدت ها مخفی نگه داشته شد و در روز پنجشنبه (شب قبل از تظاهرات) علنی شد.

هر بار که پلیس قصد بازرسی کیف تظاهرکنندگان را کرد، تظاهرکنندگان مقاومت می کردند و فریاد می زدند "طبق قانونی که شبانه تصویب کردید، می توانید کسانی را که در ۵ متری منطقه محصور شده قرار دارند در ملاً عام بازرسی بدنی کنید. اما فردا خواهید دید که اجازه این کار را هم به شما نخواهیم داد. ما از حقوق دموکراتیک خودمان عقب نشینی نخواهیم کرد."

وکلای آگاه و آزادیخواه تورنتو از روز قبل که این قانون علنی شد بر علیه این قانون و حتی شیوه تصویب آن (که شبانه و با شیوه ای کاملاً غیر دموکراتیک بود) اعتراض کردند و از مردم خواستند که در مقابل این گونه تهاجمات دولت به حقوق و آزادی های دموکراتیک خود مقاومت و مبارزه کنند.

تظاهرات متحدانه این روز جلوه ای از خشم و نفرت توده ها نسبت به نظام سرمایه داری و گردانندگان آن را به نمایش گذارد. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- تورنتو در این تظاهرات فعالانه شرکت داشتند و با بنر و شعارهای انقلابی خود ماهیت ضد سرمایه داری این تظاهرات را انعکاس می دادند. آن ها و دیگر رفقای چپ ایرانی در حاشیه شمالی پارک جمع شده و به سر دادن شعارهایی مانند "مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" و یا "ما چه می خواهیم؟ سوسیالیسم می خواهیم" پرداختند. پرچم های سرخ چریکهای فدایی خلق و دیگر نیروهای چپ ایرانی مورد توجه جوانان انقلابی قرار گرفته بود و برخی از آن ها با شور و شوق در دادن شعارها با ما همراهی میکردند.

جالب است که چندین نفر از جوانان مبارزی که به این تظاهرات آمده بودند در رابطه با چریکهای فدایی خلق ایران سوال میکردند. ما ضمن توضیح مواضع سازمان، تلاش کردیم که با تشریح نقش امپریالیست ها در حمایت از رژیم ضدخلفی جمهوری اسلامی، در این رابطه نیز به افشاگری بپردازیم. این واقعیت به شرکت فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- تورنتو در این تظاهرات بار ویژه ای بخشید.

تظاهرات روز جمعه ظاهراً بدون درگیری و دستگیری تمام شد. اما روز بعد با خبر دستگیری برخی از تظاهرکنندگان در نیمه های شب گذشته مواجه شدیم. پلیس در نیمه های شب به خانه های برخی از تظاهرکنندگان (فعالین اجتماعی مشهور در محله ها) حمله کرده و آن ها را از رختخواب بیرون کشیده و به زندان برده بودند. انتشار خبر این نوع دستگیری ها خشم مردم تورنتو را برانگیخت و موجب شد که تعداد زیادی از مردم غیرفعال سیاسی قصد شرکت در تظاهرات روز بعد را بکنند. در واقع عملکرد پلیس و ترفندهای مودبانه اش برای "تروریست و اغتشاشگر" معرفی کردن تظاهرکنندگان به ضد خودشان عمل کرد. رفتار سرکوبگرانه پلیس منجر به ایجاد و رشد اتحاد در جامعه برعلیه خشونت پلیس شد.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- تورنتو

شنبه ۲۶ جون ۲۰۱۰

تظاهرات نیروهای آزادیخواه کانادا در روز شنبه ۲۶ جون ۲۰۱۰

در مرکز شهر تورنتو

تظاهرات روز شنبه ۲۶ جون بر علیه نشست جی-۸ و جی-۲۰ در تورنتو از ساعت ۱۱ و با تجمع در محوطه روبروی پارلمان استان اونتاریو (که "کوئینز پارک" نام دارد) شروع شد. بیش از ۳۰ هزار نفر از نیروهای کمونیست و مبارز و همچنین فعالین اجتماعی مترقی برای اعتراض به وضعیت ناگوار اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و استثمار شدیدی که در نتیجه تسلط سیستم سرمایه داری بر جهان ایجاد شده، در این تظاهرات شرکت داشتند.

باران شدیدی می بارید اما لحظه به لحظه به تعداد تظاهرکنندگان افزوده میشد. مردم و نیروهای چپ از پرچم ها و پلاکاردهای همدیگر عکس می گرفتند و برخوردها بسیار دوستانه و رفیقانه بود. به استثنای برخی از نیروهای وابسته به اتحادیه های کانادا (کنگره کارگران کانادا- CLC و فدراسیون کارگران اونتاریو- OFL) که با مردم و نیروهای چپ برخوردی ارباب منشانه داشتند و حتی اجازه نمی دادند کسی به تریبون آن ها نزدیک شود و یا از سکوی چوبی آن ها برای گرفتن عکس از جمعیت استفاده کند. دختر جوانی که می خواست روی سکو رفته و عکسی برای خود از تظاهرات بگیرد با مخالفت آن ها روبرو شد در نتیجه فریاد زد "پلیس حداقل به قول خودش منطقه آزادی بیان مشخص کرده اما شما با این همه ادعاهایی که دارید سکوی چوبی زهرماری اتان را هم با مردم تقسیم نمی کنید!"

موضع گیری کنگره کارگران کانادا- CLC که کاملاً به نفع پلیس و برعلیه مردم بود، بار دیگر ماهیت و خصلت راست و ضدردمی این گونه نیروها و اتحادیه های زرد را به عینه در مقابل مردم به نمایش گذارد.

یکی از نکات چشمگیر در این تظاهرات حضور جوانان انقلابی نسل دوم ایرانیان ساکن کانادا بود. این جوانان آگاه و مبارز که به نقش امپریالیست ها در استثمار مردم ایران و جهان واقف هستند به این تظاهرات ضد امپریالیستی آمده و در صف مقدم آن قرار داشتند. جوانان آگاه افغانی نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. چند تن از دختران نوجوان افغانی با دیدن فعالین چپ ایرانی میگفتند که "ما برای اعتراض به اشغال افغانستان توسط امپریالیست ها به این

تظاهرات آمده ایم و حضور فعال ایرانی های کمونیست در این تظاهرات ما را خیلی خوشحال کرد. یاد صحنه های تظاهرات در ایران افتادیم که در تلویزیون دیده بودیم."

حضور فعالین چپ ایرانی در این تظاهرات بسیار چشمگیر بود و در اکثر خبرها نیز منعکس شد. بنر فعالین "چریکهای فدایی خلق ایران" که شعار های "مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" در آن درج شده بود مورد توجه جوانان انقلابی قرار می گرفت که برخی از آنها با حمل این بنر و عکس گرفتن با آن و تکرار شعار روی آن، اتحاد انقلابی اشان را با سر دهندگان این شعار ها اعلام می کردند.

یکی از رفقای چپ ایرانی سرود های انقلابی (به زبان انگلیسی) را از بلندگو پخش می کرد که تظاهر کنندگان را به شور و شوق در می آورد.

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر راه پیمایی به سمت جنوب در خیابان "یونیورسیتی" شروع شد. پلیس از قبل به سازمان دهندگان تظاهرات گفته بود که "به محض این که به خیابان "کوئین" برسید با دیواری از پلیس مسلح به باتوم و گاز اشک آور و اسپری فلفل مواجه خواهید شد که مسیر درست راه پیمایی را به شما یادآوری خواهند کرد." (خیابان کوئین ۴ بلوک با حصار های محل نشست جی- ۲۰ فاصله دارد).

اتحادیه های زرد و گروه های راست و مذهبی مسیر مشخصی را برای تظاهرات اعلام کرده و برای نشان دادن "حسن نیت خود" آن را از قبل به پلیس نیز اطلاع داده بودند و از آن مسیر هم خارج نشدند. اما نیرو های چپ و دیگر نیرو های معترض قصد داشتند که با عبور از نرده ها و دیوار های ایجاد شده به دور محوطه نشست، بر علیه عملکرد پلیس برای سلب آزادی های دموکراتیک مردم اعتراض کنند. در نتیجه در وسط مسیر راهپیمایی از اتحادیه ها جدا شده و در مسیر جنوب در بلوار "یونیورسیتی" و در خیابان های اطراف محل نشست حرکت نموده و در نتیجه با مقابله پلیس مواجه شده و پلیس با آن ها درگیر شد.

حوادثی که در این مسیر اتفاق افتاد حاوی تجارب فراوانی برای نیرو های سیاسی و جوانان مبارز کانادایی می باشد که برای حفظ دستاوردهای سال ها مبارزات مردم این کشور در طول تاریخ، به مقاومت و مبارزه بر علیه پلیس و دولت سرمایه داری ادامه خواهند داد.

هر بار که تظاهر کنندگان می خواستند برای رسیدن به حصار های نشست از سد پلیس در خیابان های فرعی و اصلی بگذرند، پلیس آنها را هل میداد و با باتوم می زد و از آن جا دور می کرد. چندین نفر در اثر اصابت باتوم به سرشان زخمی شدند. در مقطعی از تظاهرات، مردم شاهد کتک خوردن و زخمی شدن پسر جوانی بودند که سرش در اثر ضربه باتوم شکسته شده بود. دوستانش تلاش کردند سر او را باند پیچی کرده و وی را به یکی از بیمارستان های بلوار "یونیورسیتی" منتقل کنند. برخی از خبرنگاران که از نزدیک شاهد خشونت پلیس بودند تلاش می کردند که از تظاهر کنندگان دفاع کنند. در یکی از سد هایی که پلیس ایجاد کرده و راه را بسته بود، خبرنگاری به یکی از تظاهر کنندگان که رو در رو با پلیس ایستاده بود و داشت از آن ها عکس می گرفت با ترس گفت "این ها شوخی ندارند، می زنند و زخمی ات میکنند. همین الان فرق سر دختری را شکافتند. بیا عقب و از شان فاصله بگیر و گرنه بهت رحم نمیکنند." او در حین گفتن این حرف ها خشمگینانه به پلیس هایی که به سمت آن ها حرکت می کردند اشاره می کرد.

تظاهر کنندگان به سمت جنوب به حرکت و در واقع دویدن و فرار و گریز از دست پلیس‌ها سرمایه‌داری ادامه دادند و در چهار راه خیابان "بی" (Bay) و "کینگ" با صفی از حدود ۱۰۰ نفر پلیس روبرو شدند که راه را به سمت جنوب بسته بودند. آن‌ها برای بستن راه چند تا از اتومبیل‌های خودشان را نیز در وسط چهار راه گذاشته بودند. بعد از چند دقیقه دیدیم که اتومبیل‌های پلیس آتش زده شدند. یکی از دختران جلودار تظاهرات در بلندگو خطاب به پلیس فریاد میزد "ما احمق نیستیم. میدانیم خودتان ماشین‌هایتان را آتش زدید که سرکوب ما را توجیه کنید. تظاهرات ما مسالمت‌آمیز است. اما شما به خشونت دست می‌زنید و می‌خواهید با این اعمالتان ما را به خشونت متهم کنید..." در تمام طول تظاهرات مردم در مورد حرف‌های آن دختر و توطئه‌های پلیس صحبت می‌کردند.

پلیس‌های ضد شورش از سمت جنوب و غرب تقاطع "بی" و "کینگ" به سمت تظاهر کنندگان رژه می‌رفتند و صدای گوش‌خراش دستگاه صوتی پلیس (سلاح جدید نیروهای پلیس که برای مقابله با تظاهر کنندگان تهیه شده بود و میتواند به گوش انسان صدمه وارد کرده و حتی شخص را کر کند) از پشت سر شنیده می‌شد. بوی گاز اشک‌آور و چیزی که گفته می‌شد گاز فلفل است از خیابان‌های فرعی اطراف می‌آمد. همان موقع شایع شد که یک دسته از تظاهر کنندگان خودشان را به کنار حصار رسانده و پلیس با آن‌ها درگیر شده است. دسته دیگری در تقاطع خیابان‌های "کوئین" و "اسپاداینا" با پلیس مواجه شدند که پلیس‌ها با آن‌ها درگیر شده بودند. واقعیت این است که هیچ تظاهر کننده‌ای مستقیماً به پلیس حمله نکرد. و در واقع تظاهر کنندگان با دست خالی و زیر باران شدید راه پیمائی می‌کردند اما پلیس مسلح به باتوم و گاز اشک‌آور و غیره برای ترساندن و پراکنده کردن آن‌ها مرتباً به تظاهر کنندگان حمله می‌کردند.

دسته‌ای که اکثر فعالین چپ ایرانی در میان آن‌ها بودند راهی را به سمت شرق باز کرد و سپس در خیابان "بانگ" شعار گویان به سمت شمال به راه افتاد. شعارهای مختلفی در رابطه با محکومیت پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم و بر علیه سرکوب پلیس داده میشد. بسیاری از شعارها همان موقع توسط تظاهر کننده‌ای ابداع میشد و بقیه تکرار می‌کردند. شعارهایی مانند:

"جایجایی جنایتکاران به یک میلیارد دلار نیاز دارد" (Moving criminals around, needs one Billion dollars) ، (در اشاره به مخارج یک میلیارد دلاری برای حفاظت افراد شرکت کننده در نشست جی-۸ و جی-۲۰) و یا "ما صلح طلب هستیم، تو چی؟" (We are peaceful, How about you?) و یا "خیابان کیه؟ خیابان منه" (Whose street? My street)

این امر خود انعکاسی از این واقعیت بود که اساساً اکثر شعارها و حرکت‌هایی که در خارج از میدان "کوئینز پارک" و در خیابان‌ها و در درگیری با پلیس انجام شد، حرکت‌های خودبخودی مردم آزادیخواه در برخورد با اعمال خشونت‌آمیز پلیس بود.

چند تن از افرادی که نقاب و لباس سیاه پوشیده بودند (Black Block) به شکستن شیشه‌های بانک‌ها و اماکنی مانند "استار باکس" و فروشگاه "آدیداس" و "مک دانالدز" و غیره پرداختند. هرچند که بخشی از تظاهر کنندگان این کارها را قبول نداشتند اما اقدامات کسانی که در اثر افزایش فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌خانمانی و هزاران رنج و بدبختی دیگر خشم خود از سیستم سرمایه‌داری موجود را این چنین نشان می‌دادند، را درک می‌کردند و خشم آن‌ها را بر حق می‌دانستند.

مردم اکثراً به اشتباه تظاهر کنندگان موسوم به "بلوک سیاه" (افرادی که با لباس و نقاب سیاه در تظاهرات شرکت می کنند) را آنارشویست می نامند. اما "بلوک سیاه" سازمان و یا گروه مشخصی نیست. این گروه در هر تظاهرات و حرکتی فراخوان جمع شدن و تشکیل یک "بلوک سیاه" می دهد. و افرادی با دیدگاه های مختلف (و هر بار افرادی متفاوت) جمع میشوند و بلوک سیاه را برای همان حرکت یا تظاهرات مشخص تشکیل می دهند. در میان آن ها همه نوع ایدئولوژی و طرز فکر (از مارکسیست مترقی گرفته تا گروه های طرفدار حیوانات و محیط زیست و یا آنارشویست ها) وجود دارند. بنابر این برخلاف تصور مردم، همه آن ها آنارشویست نیستند.

علاوه بر خشونت کور پلیس، برخی دیگر از عملکرد های پلیس نیز نشان دهنده ترس و غافلگیر شدن آن ها بود. به عنوان مثال، پلیس به هر دلیلی نیروهای خود در خیابان "یانگ" را بدون وسیله نقلیه رها کرده و به پاسداری از دیوار های حفاظتی یک میلیارد دلاری اش که سرمایه داران را پشت آن (از ترس مردم) پنهان کرده بود، رفته بود. در خیابان "یانگ" متوجه شدیم که نیروی پلیس پشت سر ما و در کنار حصار متمرکز شده و در نتیجه تعداد پلیس باقی مانده در خیابان "یانگ" خیلی کمتر از ما بود و نمی توانست ما را متفرق کند. در نتیجه آن پلیس ها فرار را بر قرار ترجیح دادند. یک گروه چند نفره پلیس (که بدون وسیله نقلیه در خیابان "یانگ" رها شده بودند) خودشان را به خیابان "بی" رساندند و یک تاکسی را متوقف کرده و راننده آن را پیاده کرده و خود با تاکسی فرار کردند!

یک گروه دیگر (حدود ۱۰ نفر) از افراد پلیس را دیدیم که در تقاطع "یانگ" و "کالج" راننده ماشین مینی ون متعلق به تی-تی-سی (شرکت اتوبوس رانی) را پیاده کرده و خود با آن فرار کردند. همه آن ها در داخل ون جا نشده و چند نفرشان از آن آویزان شده بودند و جمعیت نمی توانست با دیدن وضع رقت بار پلیس های در حال فرار، جلوی خنده خود را بگیرد.

تظاهر کنندگان عملاً کاری به پلیس نداشتند، فقط می خواستند راه خود را باز کنند و به تظاهرات خود ادامه دهند. آن ها فقط مسیر هایی را که توسط پلیس بسته شده بود را باز می کردند. در این محل به دلیل کم بودن تعداد پلیس ها به محض این که مردم معترض به ۱۰ متری آن ها می رسیدند عقب نشینی کرده و فرار می کردند.

در آن لحظه حدس زده می شد که به آن ها دستور داده اند که با تظاهر کنندگان درگیر نشوند. اما بعداً معلوم شد که نیروی پلیسی که در خیابان "یانگ" مانده بود تعدادش کم بود و وسیله نقلیه (برای خودشان و یا برای خارج کردن دستگیر شدگان) نداشتند. در نتیجه نمی توانستند با ما درگیر شده و دستگیرمان کنند. وقتی به پلیس ها نزدیک میشدیم صدای آن ها را می شنیدیم که با بی سیم تقاضای کمک از مرکز می کردند. اما معلوم شد اکثر نیروی پلیس با گروهی از تظاهر کنندگان که خودش را به نزدیکی حصار رسانده بود درگیر شده و نمی تواند به کمک پلیس محاصره شده در خیابان "یانگ" بیاید.

تاریکی شب نزدیک می شد. با این که خیابان "یانگ" از پلیس خالی شده بود و رهگذر هایی هم که در خیابان بودند به تظاهر کنندگان پیوسته و یا از آن ها حمایت می کردند، اما هیچکدام از تظاهر کنندگان نمی خواستند خیابان را خالی کرده و به خانه هایشان بروند.

هدف همه تظاهر کنندگان مترقی این بود که به عملکرد خشونت آمیز امپریالیست ها بر علیه مردم تحت ستم اعتراض کنند، یعنی بر علیه فقر و بیکاری و جنگ و هزار نوع بدبختی و ستمی که در نتیجه حکومت سرمایه داری

ایجاد شده است. هدف این بود که از حقوق دموکراتیک مردم دفاع کرده و به عنوان مثال نشان دهند که مردم حق تظاهرات آزادانه در خیابان ها را دارند و پلیس نمیتواند و نباید با حضور نظامی خود مردم را از ابراز عقیده بترساند. این هدف را با دادن شعارهای انقلابی بیان می کردند.

تظاهرات تا نیمه شب ادامه داشت و درگیری خشونت آمیز پلیس با تظاهر کنندگان در روز بعد نیز ادامه پیدا کرد و وحشیگری های اعمال شده از طرف پلیس سرمایه داری، نقاب از چهره کریه ضد خلقی به اصطلاح "دمکراسی" سرمایه داری برداشت. چندین نفر از فعالین رادیکال و مبارز ایرانی نسل جدید نیز دستگیر شدند. جوان هایی که تجارب و آگاهی های انقلابی که از نسل انقلاب ۵۷ به آن ها منتقل شده را وارد جامعه کانادا کرده و همراه با هم نسل های آگاه و مبارز خود در جامعه کانادا به فعالیت های اجتماعی انقلابی مشغولند، مورد حمله خشونت آمیز پلیس ضدخلق حافظ منافع سرمایه داری قرار گرفتند.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- تورنتو

یکشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۰

حکومت نظامی در مرکز شهر تورنتو و یورش وحشیانه پلیس به مبارزین آزادیخواه یکشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۰

از روز چهارشنبه ۲۳ تا ۲۷ جون ۲۰۱۰، رؤسای جمهور و نخست وزیران ثروتمندترین کشورهای جهان در استان اونتاریو (کانادا) گرد هم آمدند تا بحران کنونی سرمایه داری جهانی و راه های "برون رفت" از آن را مورد بررسی قرار دهند. از همان ابتدا برای خیلی ها مشخص بود که دولت کانادا از نشست جی-۸ و جی-۲۰ به عنوان بهانه ای برای افزایش کنترل پلیس بر جامعه و محدود کردن آزادی های دموکراتیک توده ها استفاده خواهد کرد. عملکرد خشونت آمیز پلیس با تظاهر کنندگان روزهای جمعه و شنبه و یکشنبه (۲۵ تا ۲۷ جون) این واقعیت را ثابت کرد. دستگیری های دسته جمعی و خشونت پلیس در برخورد با مردم شهر در تمام طول روز یکشنبه ادامه پیدا کرد.

پس از تظاهرات روز شنبه، پلیس با استفاده از عکس ها و فیلم هایی که با دوربین های مدار بسته گرفته بود صدها نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات را دستگیر کرد. برخی در خانه هایشان و یا در خوابگاه های دانشگاه و برخی نیز در خیابان و یا در اتوبوس و قطار در راه بازگشت به خانه دستگیر شدند. هر چند که از تعداد دقیق دستگیر شدگان شنبه شب اطلاعی در دست نیست، اما طبق آمار دولتی بیش از ۶۰۰ نفر در طول سه روز تظاهرات دستگیر شده اند، اما کسانی که در تظاهرات شرکت داشتند و شاهدان عینی معتقدند که تعداد دستگیر شگان خیلی بیشتر از این تعداد بوده است.

حتی برخی از کسانی که مردم در تظاهرات شاهد رفتار مسالمت آمیزشان بودند، در یورش های پلیس به خانه ها و خوابگاه های دانشگاه تورنتو، دستگیر شدند. بسیاری از جوانان آگاهی که تنها گناهمشان فعالیت در سازمان های اجتماعی محلی و گروه های حمایت از حیوانات و محیط زیست و غیره است، جزء دستگیر شدگان می باشند.

به عنوان مثال یک جوان کانادایی را به جرم خشونت دستگیر کردند؛ در حالیکه همه کسانی که در طول تظاهرات در کنار وی قرار داشتند شاهد بودند که تنها کاری که این شخص می کرد حرف زدن با افراد پلیس بود. او حتی در فیلم هائی هم که از تظاهرات پخش شده در حال حرف زدن با پلیس دیده میشود که با لحنی بسیار آرام به پلیسی میگوید "باید به جای ایستادن در مقابل مردم، در کنار مردم فقیر و گرسنه و بیکار و بی خانمان جا بگیری و از آنها حمایت کنی. از این کار سرکوب مردم دست بکش..." او جوان آگاهی به نظر میرسید که نظر همه تظاهر کنندگان را جلب کرده بود. اما روز بعد صحنه دستگیری را در تلویزیون نشان دادند. حتی در لحظه دستگیری نیز روحیه آرام اما اعتراضی خود را حفظ کرده بود. صحنه دستگیری دختر نوجوانی را نیز در تلویزیون نشان دادند که هیچکس رفتار متین اش را در صف تظاهرات فراموش نخواهد کرد.

در اعتراض به این دستگیری های شبانه، مردم تورنتو در روز یکشنبه به خیابان های مرکز شهر رفتند. بسیاری از آن ها در جلوی زندان موقتی که بازداشت شدگان در آن جا به سر می بردند تجمع نموده و به آواز خوانی پرداختند تا صدایشان را به گوش دوستانشان که در داخل سلول ها بودند برسانند و به آن ها بگویند که تنها نیستند. اما پلیس با این افراد که صرفاً برای حمایت از دستگیر شدگان آمده بودند نیز با خشونت رفتار کرده و ده ها نفر از آنان را نیز بازداشت کرد.

مردم معترض که در خیابان های مرکز شهر جمع شده بودند، ساعت ها تشنه و گرسنه در سرما و زیر باران شدید در محاصره پلیس قرار گرفتند و پلیس از خروج آن ها از زیر باران نیز جلوگیری می کرد.

در این روز پلیس به حرکت احمقانه ای دست زده و تلاش می کرد گنجی های روز قبل خود را جبران کند. در روز قبل (شنبه) تمام نیروی پلیس در کنار حصار محل نشست جمع شده بودند و دیگر خیابان های شهر عملاً تحت کنترل تظاهر کنندگان قرار گرفته بود. هرچند که برخلاف تبلیغات نادرست پلیس، تظاهر کنندگان امنیت شهر را به خطر نیانداخته بودند.

اما در روز یکشنبه پلیس نیرو هایش را در تمام خیابان های مرکز شهر پخش کرد. درحالی که دیگر کسی در آن خیابان ها نبود. به عنوان مثال در روز شنبه خیابان "یانگ" در تسلط کامل تظاهر کنندگان بود. اما روز یکشنبه هیچکسی در خیابان "یانگ" دیده نمی شد و همه برای حمایت از دستگیر شدگان به خیابان "دافین" رفته بودند. اما پلیس بخشی از نیرو هایش را به خیابان خالی "یانگ" (صحنه شکست پلیس در شب قبل) فرستاده بود. مردم این صحنه ها را در تلویزیون دنبال کرده و به حماقت پلیس می خندیدند.

برخلاف روز شنبه که پلیس گنج شده بود، روز یکشنبه با برنامه ریزی به مردم حمله کرد. مردم زیادی برای اعتراض به حملات وحشیانه پلیس به تظاهرات روز قبل، به مرکز شهر تورنتو رفتند. اما پلیس مردم را در چهار راه ها محاصره و دستگیر کرد و از پیوستن آن ها به یکدیگر و شکل دادن به یک تظاهرات گسترده جلوگیری به عمل آورد.

در واقع پلیس تورنتو وحشت زده از تجمع مجدد مردم، همه چهار راه ها و خیابان های شهر را به محاصره خود درآورد و در هر گوشه گروهی از مردم را به تله انداخت. در هر چهار راه و خیابان تعدادی را محاصره کرده و از پیوستن آن ها به کسانی که در خیابان مجاور قرار داشتند، جلوگیری کرد. درحالی که برخی از این مردم هم برای کارهای روزمره

اشان و یا از روی کنجکاوی و مشاهده و عکس گرفتن از برخوردهای پلیس "یک میلیارد دلاری" تورنتو به خیابان ها آمده بودند و البته بسیاری هم به قصد تظاهرات آمده بودند.

پلیس عکس ها و فیلم هایی را که از طرق مختلف (منجمله دوربین های مدار بسته جدید) از صحنه های تظاهرات شب قبل تهیه کرده بود به پلیس شهر های دیگر نیز فرستاد که فعالین سیاسی شهر های اطراف تورنتو را نیز به این وسیله دستگیر کنند. دختر جوانی (ایرانی-کانادایی) که برای حمایت از یکی از هم کلاسی هایش که دستگیر شده بود به محل بازداشتگاه آمده بود، در گفتگو با خبرنگاران می گفت "دوست من یک فعال اجتماعی است. من دیروز در تمام طول تظاهرات با او بودم و شاهد هستم که هیچ کار غیر قانونی نکرده است، در شکستن شیشه ها و غیره نقش نداشته و نباید دستگیر می شد."

در روز یکشنبه دسته های کوچک و بزرگی از مردم به شیوه گروهی دستگیر شدند. گروهی دوچرخه سوار به سمت خیابان های "کوئین" و "دافین" (محل نگهداری زندانیان) می رفتند که به تله پلیس افتادند. پلیس با بی رحمی کامل به آن ها حمله کرده و دستگیرشان کرد. چندین پلیس به یک دختر جوان که به خشونت پلیس اعتراض کرد حمله کردند و او را از روی دوچرخه اش پائین کشیده و به داخل ماشین پلیس انداختند. چند پلیس او را زیر صندلی عقب اتومبیل انداختند و خودشان روی صندلی نشستند و پاهایشان را روی او گذاشتند. و به این طریق بینندگان ایرانی را یاد صحنه های دستگیری در خیابان های تهران انداختند.

تعداد دیگری تظاهر کننده در اعتراض به خشونت پلیس، به سمت دفتر تشکیلی به نام "مرکز سازماندهی اجتماعی مردم محل تربیتی" که تشکیلی اجتماعی است و چند تن از رهبران دستگیر شده اند، حرکت می کردند که مورد حمله پلیس واقع شدند. همه آن ها دستگیر شدند.

دسته دیگری که به سمت دادگاهی در خیابان "فینچ" نزدیک به اتوبان ۴۰۰ در حرکت بودند نیز توسط پلیس محاصره و دستگیر شدند. برخی از آنان والدینی بودند که برای دیدن فرزندان دستگیر شده اشان می رفتند.

مردم با دیدن سرکوبگری های پلیس آنها را هو می کردند و به این وسیله خشم و نفرتشان از اعمال وحشیانه پلیس را نشان می دادند.

برخی از بازداشت شدگانی که آزاد شده اند در مورد خشونت پلیس در زندان افشاگری کرده اند. پلیس آن ها را ساعت ها (در مواردی بیش از ۱۲ ساعت) در سلول های انفرادی بدون دستشویی و بدون آب و غذا نگه داشته و به آن ها اجازه تماس با خانواده ها و یا وکیل هم نمی داده است. برخی از مردم روشنفکر کانادا که هنوز خاطره دیدن صحنه های تلویزیونی رفتار وحشیانه پاسدار ها با جوانان ایرانی در تظاهرات سال گذشته را به یاد دارند می گفتند "تورنتو به ایران دوم تبدیل شده است."

چند عکاس و خبرنگار نیز در میان دستگیر شدگان بودند. در خیابان "کوئین" پلیس به خبرنگارها (که همه کارت های خبرنگاری اشان را به لباس هایشان زده بودند) می گفت "اگر از داخل جمعیت خارج نشوید دستگیر خواهید شد."

یک خبرنگار انگلیسی می گفت "با تجربه ای که من از این گونه وقایع در اروپا دارم، به نظر می رسد که اطلاعاتی در رابطه با تظاهرات و یا حرکت های دیگر به پلیس داده شده و از این جهت است که پلیس اینگونه کورکورانه به دستگیری های دسته جمعی دست زده است. یعنی پلیس میدانند که قرار است اتفاقی بیافتد و وحشت برش داشته است."

در تقاطع خیابان های "کوئین" و "اسپاداینا" (که تا ساعت ۱۱ شب قبل نیز محل حمله وحشیانه پلیس به تظاهر کنندگان بود) پلیس به مردم دستور می داد که پراکنده شوند، اما کسی نمی خواست دستور پلیس را انجام دهد. در نتیجه همه کسانی که در چهار راه بودند محاصره شده و یکی یکی دستگیر شدند.

به دلیل اوضاعی که در شهر شکل گرفته بود بسیاری از ایستگاه های قطار شهری (مترو) بسته شد. یک زن ایرانی که کارگر یکی از کارخانه های خارج از شهر است می گفت که "روز جمعه پس از ۱۲ ساعت کار مشقت بار در کارخانه مجبور شدم با تعویض چندین اتوبوس به خانه برگردم. ساعت ها طول کشید. نیمه های شب خسته و کوفته به خانه رسیدم. کاش نرفته بودم سرکار. این شنندرغاز مزد روزانه ای که می دهند به جهنم. کاش می آمدم تظاهرات و خشم ام را سر این دولت های امپریالیستی که رژیم جمهوری اسلامی را برای ما اختراع کردند، درمی آوردم."

روز یکشنبه ، مشاهده وحشیگری های پلیس به این ایده دامن زد که آتش زدن ماشین های پلیس و شکستن شیشه ها در تظاهرات شب قبل نیز کار خود پلیس بوده است. البته چنین عملکردی توسط پلیس کانادا بی سابقه نیست. در سال ۲۰۰۷ در نشست سران کشورهای آمریکای شمالی که در "مونت بل" در استان "کوبک" کانادا برگزار شد، فیلمی منتشر شد که پلیس های لباس شخصی را نشان می داد که با پرتاب سنگ و شکستن شیشه ها تظاهر کنندگان را به انجام کارهای مشابه تشویق می کردند تا فضا را برای سرکوب وحشیانه آن ها آماده کنند. افزایش این مسئله موجب رسوایی شدید پلیس شد.

این گونه اعمال در پلیس کشورهای دیگر نیز سابقه دارد. به عنوان مثال در جریان نشست جی-۸ در سال ۲۰۰۱ در شهر "جنوا" ایتالیا نیز معلوم شد که افراد پلیس با لباس شخصی در میان تظاهر کنندگان رفته و اقدام به خرابکاری کرده بودند.

عملکرد پلیس تورنتو در روز یکشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۰، حمله آن ها به خانه های مردم و خوابگاه های دانشگاه تورنتو و دستگیری صدها فعال اجتماعی، دستگیری های کورکورانه در خیابان ها و حمله و ضرب و شتم مردم ، نقاب از چهره "دمکراسی" سرمایه داری در کشورهای متمدن هم برداشت و نشان داد که آن دسته از افراد و گروه ها که به این دمکراسی طبقه سرمایه دار جهانی توهم دارند و آن را بهشت برین می دانند، چقدر در اشتباه به سر می برند.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران - تورنتو

دوشنبه ۲۸ جون ۲۰۱۰

نشست جی-۸ و جی-۲۰ در تورنتو، بهانه ای برای پلیسی کردن جامعه کانادا

و سلب آزادی های دمکراتیک از مردم این کشور!

همانگونه که در گزارشهای قبلی فعالین چریکهای فدایی خلق اشاره شده بود، از روز چهارشنبه ۲۳ تا ۲۷ جون رؤسای جمهور و نخست وزیران ثروتمندترین کشورهای جهان در استان اونتاریو (کانادا) پشت درهای بسته و دیوارهای امنیتی یک میلیارد دلاری در دو نشست معروف به جی-۸ و جی-۲۰ شرکت نمودند تا برای مقابله با بحرانی که سر تا پای نظام سرمایه داری را فراگرفته چاره اندیشی کنند و طبق معمول بار هر چه بیشتری از این بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان جهان سرشکن کنند. جهت محافظت از این نشست ها ، دولت کانادا بیش از ۷۰۰۰ پلیس ویژه و مأمورین سازمان جاسوسی (سیس) و پلیس سواره کانادا (سوار بر اسب یا دوچرخه) مجهز به گاز اشک آور، اسپری فلفل و تفنگ های مخصوص شلیک گلوله های پلاستیکی را بسیج نموده بود تا با یورش وحشیانه به حقوق دمکراتیک شهروندان این کشور، اعتراضات به حق مردم را سرکوب و شهر تورنتو را "امن" نمایند.

این اولین باری است که این نشست ها پشت سرهم و در یک کشور برگزار میشوند. در ابتدا نشست جی-۸ در شهر تفریحی "هانتزویل" در شمال شهر تورنتو، و سپس نشست جی-۲۰ در مرکز شهر تورنتو برگزار شد. تعداد شرکت کنندگان و همراهان آن ها در این نشست ها بیش از هزار نفر بود.

تورنتو که بزرگترین شهر و مرکز مالی کانادا تلقی می شود، از هفته ها قبل از شروع این نشست ها شاهد بزرگترین و پرخرج ترین تدارکات امنیتی (یک میلیارد دلاری) در تاریخ این کشور (و شاید بتوان گفت در تاریخ جهان) بود. دولت محافظه کار کانادا (به نخست وزیری "استفان هارپر") چند روز پیش از شروع نشست اعلام کرد که مخارج تخمینی تدارکات امنیتی این نشست ها ۹۳۰ میلیون دلار است. اما پس از انجام نشست ها اعلام شد که بیش از ۱/۲ میلیارد دلار برای حفاظت سیاستمداران از گزند اعتراضات مردم مصرف شده است. با مقایسه این رقم با آمار دیگر مربوط به رویداد های پر اهمیت میتوان به حجم بیش از حد مخارج امنیتی جی-۸ تورنتو و تلاش بی سابقه دولت کانادا برای سرکوب آزادی های مردم پی برد. به عنوان مثال مخارج نشست جی-۲۰ در ماه اپریل ۲۰۰۹ در انگلستان ۳۰ میلیون دلار، و هزینه حفظ امنیت نشست پیتزبرگ (پنسیلوانیا- آمریکا) در سال گذشته حدود ۱۸ میلیون دلار بود.

عملکرد دولت و پلیس کانادا از اولین روزهای ماه جون نشان داد که دولت کانادا قصد دارد از نشست جی-۸ و جی-۲۰ به عنوان فرصتی برای محدود کردن آزادی های دمکراتیک شهروندان کانادا و بهانه ای برای افزایش کنترل پلیس بر جامعه استفاده کند. عملکرد پلیس در روزهای نشست نیز این واقعیت را اثبات کرد.

از دو هفته پیش از شروع نشست ها هزاران نفر از نیروهای پلیس فدرال، پلیس ایالتی اونتاریو، نیروهای ضد شورش، نیروهای ویژه ارتش، و همین طور نیروهای سازمان اطلاعات و امنیت کانادا (سیس) در شهر تورنتو مستقر شدند. علاوه بر نیروهای دولتی، اماکن متعلق به سرمایه داران بزرگ در مرکز شهر توسط هزاران پلیس لباس شخصی (متعلق به شرکتهای امنیتی خصوصی) و کارآگاه های خصوصی نیز حفاظت می شد. پلیس علناً اعلام کرد که نیرو های لباس شخصی خود را همراه با نیروهای "سیس" در خیابان های شهر تورنتو به جمع آوری اطلاعات (بخوان جاسوسی بر علیه مردم) و تدارکات امنیتی گمارده است. حدس بسیار قوی وجود دارد که بسیاری از تلفن های

شهر نیز تحت کنترل "سیس" قرار داشتند (برخی مدعی هستند که تلفن‌ها هم اکنون نیز در جریان گسترش دستگیری‌ها هم چنان تحت کنترل می‌باشند).

چند هفته پیش از شروع نشست‌ها، چندین راننده کامیون افشا کردند که پلیس از آن‌ها خواسته که نقش جاسوس را بر علیه سازماندهندگان تظاهرات جی-۲۰ بازی کنند اما آن‌ها از انجام این کار خودداری کرده‌اند.

تمام مرکز شهر تورنتو از چندین هفته قبل از شروع نشست‌ها به شکل یک شهر محاصره شده نظامی درآمد. خیابان‌های اطراف محل نشست در مرکز شهر تورنتو با نرده‌ها و سیم‌های خاردار چند لایه ای (به طول بیش از ۶ کیلومتر) مسدود شد و گشت‌های پلیس تا شعاع یک کیلومتری اطراف آن‌ها را دائماً تحت کنترل داشتند. پلیس این منطقه محصور شده را "منطقه سرخ امنیتی" خواند و در داخل آن نیز بازداشتگاهی موقت برای زندانی کردن تظاهرکنندگان دستگیر شده ساخت. ۷۷ دوربین تازه خریداری شده در خیابانهای اطراف "منطقه سرخ" نصب شد و چندین دستگاه صوتی ضد شورش نیز توسط پلیس تورنتو خریداری شد و نیروهای پلیس به گوشی‌های حفاظتی مجهز شدند. گفته می‌شود صدایی که از این دستگاه‌ها پخش می‌شود صدماتی غیر قابل جبران به انسان وارد میکند.

روی پشت بام ساختمان‌های بلند، منجمله سفارت آمریکا چندین تک تیرانداز مجهز به سلاح‌های پیشرفته گمارده شدند. کشتی و نیروهای نیروی دریایی کانادا نیز در دریاچه انتاریو در جنوب شهر تورنتو مستقر شده و به حال آماده باش درآمدند.

از چند هفته قبل برای ساکنین مرکز شهر تورنتو کارت‌های شناسایی مخصوص صادر شد که باید آن‌ها را در حین عبور و مرور در مرکز شهر با خود حمل می‌کردند.

هر روز پلیس ویژه با سگ‌های تعلیم دیده‌اشان در خیابانهای اصلی و فرعی شهر در حال تردد بودند. خلاصه آن که تمامی این اقدامات "پیشگیرانه" و در واقع سرکوبگرانه، پیش از هر چیز شدت هراس سرمایه‌داران مفت‌خور و استثمارگر و دولت‌های کارگزار آن‌ها را از توده‌های معترض نشان می‌داد.

ترس پلیس سرمایه‌دار از شدت نفرت توده‌ها چنان بود که در کمال ناباوری عمومی، از چند روز پیش از شروع نشست‌ها، حتی درختچه‌های کنار خیابان‌ها ریشه کن شدند، جعبه‌های فروش روزنامه، گلدان‌های تزئینی بزرگ جلوی آپارتمان‌ها، نرده‌های مخصوص دوچرخه و سطل‌های آشغال کنار خیابان‌ها (در مرکز شهر) جمع‌آوری شدند. پلیس قفل دوچرخه‌هایی را که به نرده‌های مخصوص دوچرخه بسته شده بودند را می‌شکست و آن‌ها را می‌برد (در واقع می‌زدید) و برای توجیه این عمل ادعا شد که این دوچرخه‌ها را تظاهرکنندگان در خیابان‌ها کار گذاشته‌اند که در روزهای تظاهرات از آنها به عنوان سلاحی علیه پلیس و یا برای شکستن شیشه‌های مغازه‌ها استفاده کنند! فیلمی نیز از صحنه برداشتن یکی از این دوچرخه‌ها توسط پلیس از تلویزیون‌ها پخش شد که در آن دوچرخه‌ای نشان داده می‌شد که زنجیر نداشت و قابل استفاده نبود. این طور ادعا شد که تظاهرکنندگان با برنامه ریزی قبلی دوچرخه‌های خراب و بی مصرف را در خیابان‌ها گذاشته‌اند که در روزهای تظاهرات از آنها به شکل سلاح علیه پلیس استفاده کنند.

در روزهای برگزاری نشست ها ناگهان تعداد پلیس در خیابان ها چندین برابر شد. در همه تقاطع های اصلی مرکز شهر پلیس ضد شورش مسلح پیاده و یا سوار بر اسب و دوچرخه مستقر شدند.

در هفته پیش از شروع نشست ها چندین تظاهرات کوچک مسالمت آمیز توسط برخی از نیروها و سازمان های محلی انجام شد. اما پلیس با آن ها برخوردی خشونت آمیز کرد. پلیس که نمی توانست در ملاً عام در خیابان های شلوغ در روزهای هفته به این تظاهرات کوچک و مسالمت آمیز حمله کند، در شب جمعه ۲۵ جون ، بدون داشتن اجازه بازداشت به خانه چند تن از این تظاهر کنندگان ریخت و آن ها را از رختخواب بیرون کشیده و دستگیر کرد.

پلیس که می دانست با وجود مردم در خیابان ها و احتمال حمایت آن ها از تظاهر کنندگان، نمی تواند تظاهرات را خوب کنترل کند ، برای خالی کردن شهر از مردم در روزهای شنبه و یکشنبه به ترفندهای مختلف و از جمله پخش شایعه حضور تروریست ها در شهر، دست زد. این کار به دلایل مختلف صورت گرفت. یک دلیل عمده جو سازی بر علیه تظاهر کنندگان و ایزوله کردن آنان و در نتیجه آسان تر کردن سرکوب آن ها بود. پلیس برای رسیدن به این هدف وانمود می کرد که اطلاعاتی به آن ها رسیده که تعدادی "خرابکار و تروریست" قصد رخنه در تظاهرات را دارند. قصد دیگر پلیس از این کار ترساندن مردم از تظاهرات و تظاهر کنندگان بود. از روز پنجشنبه ۲۴ جون همه ادارات دولتی و اکثر ادارات غیر دولتی در مرکز شهر تورنتو تعطیل شدند. مرتباً از طریق رسانه ها اعلام می شد که عملیات امنیتی و "ضد تروریستی" پلیس در جریان است و مردم باید از رفت و آمدهای غیر ضروری در مرکز شهر تورنتو خودداری کنند. تابلوهای الکترونیکی تبلیغاتی اتوبان های منتهی به مرکز شهر که معمولاً برای رساندن پیام های مربوط به مقررات رانندگی (مانند ضرورت بستن کمربند و عدم نوشیدن مشروب های الکلی و عدم استفاده از تلفن دستی در هنگام رانندگی) مورد استفاده قرار می گیرند، از یک هفته پیش از شروع نشست ها به ابزاری برای ایجاد ترس و وحشت (از تظاهر کنندگان) در میان مردم تبدیل شدند. در این تابلو ها تذکر داده می شد که حوادث بزرگی در شرف وقوع است و مردم باید از رفت و آمد غیر ضروری به مرکز شهر خودداری کنند.

رادیو و تلویزیون مرتباً با نشان دادن خانواده های شاد و سر حالی که در حال ترک شهر و رفتن به بیلاق و گردش و تفریح بودند، مردم را تشویق به تخلیه شهر می کرد. برخی از ساکنین مرکز شهر نیز برای یک هفته آذوقه ذخیره کرده و از خانه خارج نشدند.

در نتیجه پلیس عملاً با استفاده از تمام حربه های روانی و ترساندن مردم توانست مرکز شهر را تا حدی تخلیه و صحنه را برای سرکوب تظاهر کنندگان آماده کند. سرکوب های وحشیانه و دستگیری های کور و گسترده ای که در روز شنبه و یکشنبه به وقوع پیوست نشان دهنده این واقعیت است.

طبق آمار دولت در سه روز تظاهرات بیش از ۶۰۰ نفر دستگیر شدند. بسیاری از دستگیری ها در منطقه ای که پلیس آن را به عنوان "منطقه آزادی بیان" مشخص کرده بود، انجام شدند. این موضوع معنای واقعی "آزادی بیان" از نظر طبقه سرمایه دار و دستگاه دولتی حامی آن را به مردم نشان داد. دستگیر شده ها در زندان موقتی در زمین یک استودیوی فیلم سازی نگه داری می شدند.

در تظاهرات روز شنبه بسیاری از تظاهر کنندگان که هیچ حرکت غیر عادی در رفتارشان دیده نمی شد، مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند.

پلیس در حملات وحشیانه خود (بخصوص در شنبه شب و در روز یکشنبه) هر کسی را که دستش می‌رسید، از مردم عادی و تظاهر کنندگان گرفته تا توریست‌ها و گداها و معتادهای سرگردان در شهر و خبرنگاران را دستگیر می‌کرد. در روز جمعه فرد کر و لالی را دستگیر کردند که کنار تظاهرات قدم می‌زد و اخطار پلیس را نشنید. پلیس او را در همان خیابان زیر مشمت و لگد گرفت و تنها پس از مداخله تظاهر کنندگان، پلیس متوجه شد که کر و لالی را به جای یک "توریست" گرفته است!

زن خبرنگاری به نام "ایمی میلر" که در روز یکشنبه دستگیر شده بود امروز پس از آزاد شدن از زندان، در رادیو اعلام کرد که پلیس با او رفتار بسیار بدی داشته و او را شدیداً کتک زده‌اند. او می‌گفت که چند پلیس در موقع دستگیری او را تهدید به تجاوز جنسی کردند و به او گفتند "آنقدر دسته جمعی به تو تجاوز می‌کنیم که دیگر نتوانی با تظاهر به خبرنگار بودن به تظاهرات ضد دولتی بروی."

خبرنگار دیگری به نام "مک کایزک" می‌گفت که "در هنگام دستگیری با اینکه خطاب به پلیس فریاد می‌زدم که نزدیک من خبرنگار هستم، قلبم را عمل کرده‌ام، دستگاه تنظیم ضربان قلب دارم. با این حال آن‌ها به کتک زدن من ادامه می‌دادند. یکی از پلیس‌ها بلوزم را بالا زد و چون که جای عمل را روی سینه‌ام ندید، من را به دروغ گویی متهم کرده و شروع کردند به محکمت‌ر و بیشتر زدن."

پلیس از حوادثی مانند بمب‌گذاری در ماه مه گذشته در یکی از شعب بانک "رویال بانک" در شهر "اتاوا" (که به دنبال درگیری میان سرخپوست‌ها و دولت رخ داد) به عنوان بهانه‌ای برای افزایش بودجه پلیس و دیگر نیروهای انتظامی و نظامی در سرکوب آزادی‌های دموکراتیک مردم کانادا استفاده کرد. سخنان "تونی کلمنت" وزیر صنایع کانادا که گفته بود "تا قبل از بمب‌گذاری رویال بانک در اتاوا، مردم به افزایش بودجه پلیس اعتراض داشتند. اما حالا دیگر ما را سوال پیچ نمی‌کنند" این واقعیت را به روشنی ثابت می‌کند. بر اساس چنین واقعیاتی است که برخی از مردم مدعی‌اند که آن بمب‌گذاری هم کار خود پلیس بوده است.

در روز شنبه موضع‌گیری راست اتحادیه CLC که کاملاً به نفع پلیس و برعلیه مردم بود منتشر شد و ماهیت و خصلت ضد مردمی این گونه اتحادیه‌های زرد مشخص شد. CLC بدون محکوم کردن خشونت‌های پلیس، با لحنی نوکر صفتانه در اطلاعیه خود نوشت که از دستورات قانونی دولت و پلیس پیروی کرده‌ام اما "آنارشیست‌ها" به خرابکاری پرداختند.

برخلاف موضع‌گیری ضد مردمی اتحادیه CLC، خشونت‌هایی را که در جریان تظاهرات رخ داد باید در چهارچوب واقعیات موجود در جامعه کانادا بررسی کرد و آن را عکس‌العمل طبیعی و برحق توده‌ها در مقابله با شرایط ظالمانه‌ای دید که سرمایه‌داران شکل داده‌اند. همچنین این امر را هم باید در نظر داشت که تجربه نشان داده که پلیس کانادا همیشه در تظاهرات رخنه کرده و توسط جاسوسان خود به خرابکاری دست می‌زند که بتواند تظاهر کنندگان را "خرابکار و آنارشیست" نامیده و به این بهانه به دستگیری‌های گسترده دست بزند. حتی خود پلیس کانادا نیز به دلیل وجود شواهد زیادی در این رابطه نتوانسته واقعیت وجود جاسوسان پلیس در میان تظاهر کنندگان و نقش آن‌ها در تحریک تظاهر کنندگان را کتمان کند. هر گاه که در این مورد از پلیس کانادا سوال شده با این جواب که "پلیس تاکتیک‌هایش را علنی نمی‌کند" غیرمستقیم وجود جاسوسان را تأیید کرده‌اند.

بنابراین، رویدادهای چند روز اخیر در تورنتو نشان داد که خرابکاران واقعی نیروهای جاسوس پلیس هستند نه آن طور که دولت و پلیس و اتحادیه CLC ادعا میکنند، تظاهر کنندگان. واقعیت این است که مسئولیت هر نوع خشونت که در تظاهرات سه روزه تورنتو رخ داد تنها به گردن پلیس و دولت است.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- تورنتو

دوشنبه ۲۸ ژوئن ۲۰۱۰